

استقبال از

عذیر حم

هادی بخشی

به قلم

سید محمد صادق سجاد

سرشناسه	: نجفی، هادی، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: استقبال از غدیر خم/هادی نجفی؛ به قلم سیدمحمدصادق سجاده.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۲۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۷۰-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۳۲۳۲۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: غدیر خم — مقاله‌ها و خطابه‌ها Ghadir — Addresses, essays, lectures
شناسه افزوده	: سجاده، سیدمحمدصادق، ۱۳۷۵ -
رده بندی کنگره	: BP۲۲۳/۵
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۵۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۹۵۹۳۴۰
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا

نام کتاب	: استقبال از غدیر خم
ناشر	: چتر دانش
مؤلف	: هادی نجفی
به قلم	: سید محمد صادق سجاده
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۴۰۱
شمارگان	: ۵۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۷۰-۵
قیمت	: ۲۲۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸
 تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳
 پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com
 کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

مقدمه به عنوان جلسهٔ چهارم

به قلم آقای علی اکبر مهدی پور رحمته الله علیه / ۱۳

۱۳	چکیده
۱۳	سخن پایانی
۱۴	کتاب‌شناسی غدیر
۱۴	دائرة المعارف «الغدیر»
۱۴	غدیریّه‌های فارسی
۱۴	غدیر خم از دیدگاه وسیع‌تر
۱۵	۱- وامق مسیحی
۱۵	۲- بولس سلامه

تمهید / ۱۸

۱۹	غدیرشناسی، ضرورت‌ها و اولویت‌ها
۱۹	۱. غدیر به مثابهٔ یک رویداد تاریخی
۲۱	۲. غدیر به مثابهٔ یک باور اعتقادی
۲۳	۳. غدیر به مثابهٔ مکتب تربیتی
۲۵	۴. غدیر به مثابهٔ هویت مذهبی و ملی
۲۶	سخن پایانی
۲۷	علت تدوین این دفتر

جلسه اول / ۲۹

۲۹	چکیده
۲۹	خطبهٔ غدیر
۳۰	قطعیّت خطابهٔ غدیر در منابع اهل تسنن
۳۰	ابن جریر طبری:
۳۳	شهر آشوب <small>رحمته الله علیه</small> :
۳۳	ابن طاووس <small>رحمته الله علیه</small> :
۳۵	واقعهٔ الغدیر

۴ استقبال از غدیر خم

۳۸	واقعه غدیر خم
۴۴	عوامل سانسور حدیث غدیر:
۴۴	تحریف تاریخ
۴۴	قرائن خلافت بلافضل امیرالمؤمنین (علیه السلام)
۴۴	۱- بیعت
۴۵	۲- شعر حسان بن ثابت
۴۵	۳- عذاب حارث بن نعمان فهری
۴۷	دو دستگی مردم
۴۷	(۱) دوستان غدیر
۴۹	(۲) دشمنان غدیر

جلسه دوم / ۵۲

۵۲	چکیده
۵۲	سیاست انکار (۱)
۵۳	أخوّت با رسول خدا (صلی الله علیه و آله)
۵۵	شاهد اول: حدیث غدیر
۵۶	شاهد دوم: پیشوای نمازگزاران
۵۷	شاهد سوم: حدیث منزلت
۵۹	شاهد پنجم: حضور در جنگ بدر
۵۹	سبّ علی بن ابی طالب (علیه السلام)
۶۰	مظلوم تاریخ

جلسه سوم / ۶۲

۶۲	چکیده
۶۲	سیاست انکار (۲)
۶۳	خودداری از ذکر فضیلت حضرت علی (علیه السلام)
۶۴	مخفی کردن نام حضرت علی (علیه السلام)
۶۵	منع ذکر فضائل حضرت علی (علیه السلام)
۶۶	فضیلتی از زبان فرزند خلیفه دوم
۶۷	دشمنی ابوهریره
۶۸	حدیث غدیر از زبان زید بن ارقم

جلسه چهارم / ۷۱

۷۱	چکیده
۷۱	سیاست انکار (۳)
۷۲	سوگند حضرت علی (علیه السلام) برای اثبات حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)
۷۳	کتمان حدیث غدیر
۷۴	افسوس از پیروی حضرت علی (علیه السلام)
۷۵	پایگاه آهنین و مستحکم حضرت علی (علیه السلام)
۷۶	ترس از نقل حدیث غدیر
۷۸	بیعت اختیاری یا اجباری

جلسه پنجم / ۸۰

- چکیده ۸۰
سیاست انکار (۴) ۸۰
عواقب نقل حدیث ۸۰
سانسور حدیثی ۸۱

جلسه ششم / ۸۴

- چکیده ۸۴
سیاست انکار (۵) ۸۴
افضلیت خلیفه اول و دوم نزد مخالفین ۸۴
تغییر اذان ۸۶
متعۀ نساء ۸۷
حامل رایة رسول الله ﷺ ۸۹
مدح و ثنای امیر المؤمنین علیؑ ۹۰
کودتای مخالفین ۹۱
قتل مالک بن نویره ۹۱
حضرت علیؑ بزرگ مظلوم تاریخ ۹۲

جلسه هفتم / ۹۴

- چکیده ۹۴
سیاست انکار (۶) ۹۵
جریان‌های ضد غدیر ۹۵
کتمان فضیلت در زمان بنی امیه ۹۶
معجزه‌ای در شهادت حضرت علیؑ ۹۶
کلام باطل حسن بصری ۹۷
فضیلت تراشی برای معاویه ۹۸
کتمان فضیلت در زمان بنی عباس ۱۰۰
منع اثبات خلافت حضرت علیؑ ۱۰۰
مجازات نصر بن علی الحضرمی ۱۰۰

جلسه هشتم / ۱۰۱

- چکیده ۱۰۱
سیاست انکار (۷) ۱۰۱
حدیث منصور دوانیقی برای اعمش (بخش اول): ۱۰۲

جلسه نهم / ۱۰۷

- چکیده ۱۰۷
سیاست انکار (۸) ۱۰۷
حدیث منصور دوانیقی برای اعمش (بخش دوم): ۱۰۷

جلسه دهم / ۱۱۲

- چکیده ۱۱۲
سیاست انکار (۹) ۱۱۲

- ۱- مدرسه اهل بیت (علیهم السلام) ۱۱۲
 ۲- مدرسه خلفا ۱۱۳
 اعتراض مخالفین به اعمش ۱۱۳
 اعتراض ابوحنیفه، ابن شُبْرَمَة و ابن ابی لیلی: ۱۱۳
 برخوردی دیگر از اعمش در مقابل مخالفین ۱۱۷
 اعتراض اهل سنت ۱۱۷
 اعتراض مرجئه ۱۱۸
 اعتراض دیگران ۱۱۹

جلسه یازدهم / ۱۲۰

- چکیده ۱۲۰
 سیاست انکار (۱۰) ۱۲۰
 ماجرای انکار ابوحنیفه ۱۲۰

جلسه دوازدهم / ۱۲۵

- چکیده ۱۲۵
 سیاست انکار (۱۱) ۱۲۶
 حاکم نیشابوری ۱۲۶
 حدیث طبر مشوی ۱۲۶
 حدیث غدیر ۱۲۸
 ابو عبدالرحمن نسائی ۱۲۹
 صعصعة بن صوحان ۱۳۰
 منع نقل فضائل حضرت علی (علیه السلام) ۱۳۱
 امان نامه امام حسن (علیه السلام) برای صعصعة بن صوحان ۱۳۲

جلسه سیزدهم / ۱۳۴

- چکیده ۱۳۴
 سیاست انکار (۱۲) ۱۳۴
 روایت علی (علیه السلام) قسیم النار ۱۳۵
 توجیه احمد بن حنبل ۱۳۷
 علت توجیه روایت ۱۳۹
 حدیث قسیم النار در شعر ۱۴۰
 سید اسماعیل جمیری ۱۴۱
 العونی ۱۴۱
 دُعْبَلُ بْنُ عَلِيٍّ خُرَاعِي ۱۴۱
 ابوالقاسم الزاهی ۱۴۱
 محمّد بن ادریس شافعی ۱۴۲
 سیاست انکار ادامه دارد ۱۴۲

جلسه چهاردهم / ۱۴۴

- چکیده ۱۴۴
 سیاست انکار (۱۳) ۱۴۴

فهرست مطالب ۷

۱۴۴ وحشت صحابه از نقل حدیث غدیر

۱۴۵ ابن ابی آوفی

۱۴۶ زید بن ارقم

جلسه پانزدهم / ۱۴۹

۱۴۹ چکیده

۱۴۹ سیاست انکار (۱۴)

۱۵۰ تحریف حدیث غدیر نمونه‌ای از سیاست انکار

۱۵۲ نشانه‌ی شیعه‌بودن

جلسه شانزدهم / ۱۵۳

۱۵۳ چکیده

۱۵۴ سند حدیث غدیر

۱۵۴ انواع حدیث

۱۵۴ ۱- خبر واحد

۱۵۴ ۲- خبر مستفیض

۱۵۴ ۳- خبر متواتر

۱۵۷ تواتر حدیث غدیر

جلسه هفدهم / ۱۶۳

۱۶۳ چکیده

۱۶۳ دلالت حدیث غدیر (۱)

۱۶۴ محور اول خطابه غدیر

۱۶۶ نتیجه محور اول

۱۶۶ ارتباط محور اول و محور دوم خطابه غدیر

جلسه هجدهم / ۱۶۷

۱۶۷ چکیده

۱۶۷ دلالت حدیث غدیر (۲)

۱۶۷ محور دوم خطابه غدیر

۱۶۸ مقصود از «ولایت» در عبارت پیامبر خدا ﷺ

۱۶۸ کلمه «ولی» اشتراک لفظی است یا معنوی؟

جلسه نوزدهم / ۱۷۱

۱۷۱ چکیده

۱۷۱ دلالت حدیث غدیر (۳)

۱۷۱ محور سوم خطابه غدیر

۱۷۲ محور سوم در کتب عامه

۱۷۵ حکایت

جلسه بیستم / ۱۷۶

۱۷۶ چکیده

۱۷۶ حدیث غدیر در کلام حضرت امیر علیه السلام (۱)

۱۷۷ ❖ خطابه حضرت علی علیه السلام در «رحبه»

- علامه حلی ۱۷۸
- ابن اثیر ۱۸۰
- احمد بن حنبل ۱۸۰
- ذهبی ۱۸۱

جلسه بیست و یکم / ۱۸۳

- چکیده ۱۸۳
- حدیث غدیر در کلام حضرت امیر علیه السلام (۲) ۱۸۳
- ❖ خطابه حضرت علی علیه السلام در شهر کوفه ۱۸۳
- ابن مغزالی ۱۸۴
- متقی هندی ۱۸۴

جلسه بیست و دوم / ۱۸۷

- چکیده ۱۸۷
- حدیث غدیر در کلام حضرت امیر علیه السلام (۳) ۱۸۸
- ❖ بخش اول: مناشده حضرت علی علیه السلام در شورای شش نفره ۱۹۱
- یکتاپرستی ۱۹۲
- نسبت با جعفر طیار ۱۹۲
- نسبت با حضرت حمزه سیدالشهدا ۱۹۲
- نسبت با حضرت زهرا علیها السلام ۱۹۳
- نسبت با سرور جوانان بهشتی ۱۹۳
- تقدیم صدقه برای نجوا با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۱۹۳
- حدیث غدیر ۱۹۴
- چرا حضرت علی علیه السلام از حق خود دفاع نکردند؟ ۱۹۵
- ۱- خطر محو اسلام ۱۹۵
- ۲- ناجوانمردی مخالفین در ترور امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۹۶

جلسه بیست و سوم / ۱۹۸

- چکیده ۱۹۸
- حدیث غدیر در کلام حضرت امیر علیه السلام (۴) ۱۹۹
- ❖ بخش دوم: مناشده حضرت علی علیه السلام در شورای شش نفره ۱۹۹
- حدیث طیر مشوی ۱۹۹
- علمدار جنگ خیر ۲۰۰
- نفس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۲۰۱
- دوستی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در گرو محبت حضرت علی علیه السلام ۲۰۱
- مخاطب سلام ملائکه ۲۰۱
- همدلی با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۲۰۲
- لَا فَتَىٰ إِلَّا عَلِيٌّ، لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ ۲۰۲
- جنگ با ناکثین، قاسطین و مارقین ۲۰۳
- مبارزه برای تأویل قرآن ۲۰۴

۲۰۴	رُد الشمس
۲۰۵	مبلغ آیات برائت
۲۰۵	حدیث منزلت
۲۰۶	ملاک ایمان
۲۰۶	سد ابواب
۲۰۸	نجوا با پیامبر خدا ﷺ
۲۰۸	حق با علی <small>علیه السلام</small> است
۲۰۸	حدیث تقلین
۲۰۹	حفظ جان پیامبر خدا ﷺ در لیلۃ المیت
۲۰۹	مبارزه با عمرو بن عبدود
۲۰۹	آیه تطهیر
۲۱۰	سرور عرب
۲۱۰	مسألت از خدا برای حضرت علی <small>علیه السلام</small>

جلسه بیست و چهارم / ۲۱۲

۲۱۲	چکیده
۲۱۲	حدیث غدیر در کلام حضرت امیر <small>علیه السلام</small> (۵)
۲۱۳	❖ بخش اول: خطبه امیرالمؤمنین علی <small>علیه السلام</small> در جمعه مصادف با غدیر
۲۱۴	متن خطبه غدیریه امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۲۱۴	توحید و یکتاپرستی
۲۱۵	شهادت به رسالت پیامبر خدا ﷺ

جلسه بیست و پنجم / ۲۱۷

۲۱۷	چکیده
۲۱۸	حدیث غدیر در کلام حضرت امیر <small>علیه السلام</small> (۶)
۲۱۸	❖ بخش دوم: خطابه حضرت علی <small>علیه السلام</small> در جمعه مصادف با غدیر
۲۱۸	امامت، میراثی ماندگار
۲۱۹	در سایه سار عقل و اندیشه
۲۲۰	جمعه و غدیر
۲۲۱	اسرار جاودان

جلسه بیست و ششم / ۲۲۴

۲۲۴	چکیده
۲۲۴	حدیث غدیر در کلام حضرت امیر <small>علیه السلام</small> (۷)
۲۲۴	❖ بخش سوم: خطابه حضرت علی <small>علیه السلام</small> در جمعه مصادف با غدیر
۲۲۴	غدیر، روز با عظمت
۲۲۶	رهنمودهای مولای متقیان

جلسه بیست و هفتم / ۲۲۹

۲۲۹	چکیده
۲۲۹	حدیث غدیر در کلام حضرت امیر <small>علیه السلام</small> (۸)
۲۲۹	❖ بخش چهارم: خطابه حضرت علی <small>علیه السلام</small> در جمعه مصادف با غدیر

۱۰..... استقبال از غدیر خم

۲۲۹..... بیداری از غفلت
۲۳۰..... وظایف دوستان غدیر

جلسه بیست و هشتم / ۲۳۵

۲۳۵..... چکیده
۲۳۵..... مطرح بودن جانشینی بعد از پیامبر ﷺ
۲۳۶..... ۱- دعوت خویشان
۲۳۷..... ۲- پیشنهاد عامر بن طفیل
۲۳۹..... ۳- پیشنهاد قبیله کنده
۲۴۰..... ۴- شرط بیعت با رسول خدا ﷺ

جلسه بیست و نهم / ۲۴۲

۲۴۲..... چکیده
۲۴۲..... گزارشی از پشت پرده واقعه غدیر خم
۲۴۳..... غزوه تبوک
۲۴۳..... جریان حدیث منزلت
۲۴۳..... وجوه تشبیه در حدیث منزلت
۲۴۴..... ۱- مقام وزارت
۲۴۵..... ۲- مقام اهلیت
۲۴۵..... ۳- مقام اُخُوْت
۲۴۵..... ۴- شدّ از (پشتیبانی و دفاع)
۲۴۵..... ۵- شرکت و همراهی در امور رسالت
۲۴۶..... قصد جان پیامبر خدا ﷺ توسط اصحاب عقبه
۲۴۷..... حجة الوداع
۲۴۷..... صحیفه ملعونه
۲۴۸..... غدیر خم

جلسه سی ام / ۲۵۰

۲۵۰..... چکیده
۲۵۰..... حدیث غدیر در کتب عامه (۱)
۲۵۳..... ❖ بخش اول: روایت ابو جعفر طبری از حدیث غدیر

جلسه سی و یکم / ۲۵۸

۲۵۸..... چکیده
۲۵۸..... حدیث غدیر در کتب عامه (۲)
۲۵۸..... ❖ بخش دوم: روایت ابو جعفر طبری از حدیث غدیر

جلسه سی و دوم / ۲۶۳

۲۶۳..... چکیده
۲۶۳..... حدیث غدیر در کتب عامه (۳)
۲۶۳..... ❖ روایت احمد بن حنبل از حدیث غدیر
۲۶۴..... ❖ روایت ابن عساکر از حدیث غدیر

جلسه سی و سوم / ۲۶۷

- چکیده ۲۶۷
- حدیث غدیر در کتب عامه (۴) ۲۶۷
- ❖ روایت ابن جوزی از حدیث غدیر ۲۶۷
- ❖ روایت خرگوشی از حدیث غدیر ۲۶۸
- ❖ روایت عبدالملک عصامی از حدیث غدیر ۲۶۹
- ❖ روایت بلاذری از حدیث غدیر ۲۷۰

جلسه سی و چهارم / ۲۷۳

- چکیده ۲۷۳
- حدیث غدیر در کتب عامه (۵) ۲۷۳
- معرفی اجمالی حاکم حسکانی ۲۷۳
- ❖ روایات حاکم حسکانی از حدیث غدیر (۱) ۲۷۴

جلسه سی و پنجم / ۲۷۷

- چکیده ۲۷۷
- حدیث غدیر در کتب عامه (۶) ۲۷۸
- ❖ روایات حاکم حسکانی از حدیث غدیر (۲) ۲۷۸

جلسه سی و ششم / ۲۸۴

- چکیده ۲۸۴
- حدیث غدیر در کتب عامه (۷) ۲۸۵
- ❖ روایات حاکم حسکانی از حدیث غدیر (۳) ۲۸۵
- ❖ روایت سیوطی از حدیث غدیر ۲۹۰

جلسه سی و هفتم / ۲۹۱

- چکیده ۲۹۱
- کوتاهی نسبت به غدیر ۲۹۲
- فضیلتی از مولی الموحدین علیه السلام در بیان امام رضا علیه السلام ۲۹۶

جلسه سی و هشتم / ۳۰۰

- چکیده ۳۰۰
- فضائلی از امیرالمؤمنین علیه السلام در بیان امام رضا علیه السلام ۳۰۱
- روایت اول ۳۰۱
- روایت دوم ۳۰۲
- بنده خدا ۳۰۲
- برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله ۳۰۲
- روایت سوم ۳۰۳
- کافرشدن مُحب و دوستدار ۳۰۳
- کافرشدن دشمن ۳۰۵
- روایت چهارم ۳۰۵
- روایت پنجم ۳۰۶
- روایت ششم: (حدیث سلسله الذهب) ۳۰۶

۱۲ استقبال از غدیر خم

۳۰۸ نقل دیگر سلسله الذهب:

۳۰۸ شیعه واقعی باشیم.

جلسه سی و نهم / ۳۱۱

۳۱۱ چکیده

۳۱۱ تبلیغ آیات برائت

۳۱۴ مأموریت ابلاغ

۳۱۶ دلتنگی پیامبر ﷺ

۳۱۷ تصریح مخالفین به ابلاغ آیات برائت توسط حضرت علی (علیه السلام)

۳۱۷ احمد بن حنبل

۳۱۸ ابن عساکر

۳۱۹ نتیجه

۳۱۹ عدم صلاحیت خلیفه اول

۳۱۹ عدم صلاحیت خلیفه دوم

۳۲۱ کلام آخر

فهرست منابع / ۳۲۲

مُتَكَلِّمًا: به قلم علامه محقق حجة الاسلام و المسلمين

استاد آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور رحمته الله علیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

[به عنوان] جلسه چهارم^۱

چکیده

الف) غدیر در آینه کتاب
ب) غدیر در ادب عربی
پ) غدیر در ادب پارسی
ت) غدیر از منظر دیگران

سخن پایانی

مباحثی که در طول ده سال برای فضای شرکت کننده تقدیم شد، در طی ۳۹ جلسه پایان گرفت.

به هنگام ویرایش مطالب، به نظر رسید که یک جلسه به عنوان بخش پایانی

۱. استاد مهدی پور پس از تصحیح کامل کتاب، این متن را به عنوان «جلسه چهارم» ارسال فرمودند ولی به جهت احترام ایشان آن را در مقدمه قرار دادم. [مؤلف]

افزوده شود که تعداد جلسات به چهل برسد.

کتاب‌شناسی غدیر

در طول قرون و اعصار بیش از هزار عنوان کتاب مستقل پیرامون غدیر خم به زبان‌های فارسی، عربی، اردو، آذری، ترکی، تاجیکی، گرجستانی، کردی، مالایو، تایلندی، تامیلی، بنگالی، سواحلی، انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، روسی، اسپانیایی، ایتالیایی و نروژی به رشته تحریر درآمده که کتاب‌شناسی ۱۰۸۰ عنوان از آنها در کتاب «غدیر در آینه کتاب» ثبت شده است.^۱

دائرة المعارف «الغدیر»

افتخار صفحات تاریخ علامه امینی قدس سره دائرة المعارف بزرگی تحت عنوان «الغدیر فی الکتاب و السنّة و الأدب» در ۲۰ مجلد تألیف کرده که ۱۱ جلد آن مکرر به چاپ رسیده و ترجمه فارسی آن در ۲۲ جلد منتشر شده است.

غدیره‌های فارسی

غدیره‌های دیگری توسط شاعران شیفته و سخن‌سرایان پاکبخته مولای متقیان علیه السلام در طول قرون و اعصار به زبان‌های مختلف سروده شده، که بیش از ۲۰۰ مورد از آنها را شاعر معاصر آقای صحتی در کتاب «غدیره‌های فارسی» گرد آورده است.^۲

غدیر خم از دیدگاه وسیع‌تر

شیفتگان مولای متقیان به مذاهب اسلامی منحصر نمی‌شود، بلکه از همه ادیان، حتی در ادیان زمینی، ارادتمندان و اخلاص‌مندان دارد که به آن حضرت

۱. چاپ قم، دلیل ما، ۱۳۹۰ش، ۹۶۲ صفحه وزیری.

۲. غدیره‌های فارسی، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران، ۱۳۷۹ش، ۶۳۰ صفحه وزیری.

عشق می‌ورزند و برایش مدیحه می‌سرایند، که به دو نمونه از شاعران مسیحی اشاره می‌کنیم، که غدیریّه سروده‌اند، که از آن جمله است:

۱- وامق مسیحی

بقراط بن اشوط «وامق مسیحی» اسقف اعظم ارامنه در قرن سوم هجری، غدیریّه‌ای سروده به مطلع زیر:

أليس بخمّ قد أقام محمّدٌ
عليّاً بإحضار الملا في المواسم

ابن شهر آشوب در کتاب «معالم العلماء» او را از زمرة مدّاحان اهل بیت عصمت و طهارت بر شمرده^۱ و در کتاب مناقب غدیریّه‌اش را روایت کرده است.^۲ علامه امینی، غدیریّه او را در کتاب «الغدیر» نقل کرده، آنگاه از ۳۰ تن از بزرگان مسیحیت، از کشیش‌ها، اسقف‌ها و کاردینال‌های مسیحی که در مدح و ستایش پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله و مولای متّقین عليه السلام کتاب نوشته‌اند، نام برده است.^۳

۲- بولس سلامه

شاعر نامدار لبنانی بولس سلامه (۱۹۰۲-۱۹۷۹م) دیوان گران‌سنگی پیرامون غدیر خم سروده و آن را «ملحمة عيد الغدير» نام نهاده است.

این کتاب شامل ۳۰۸۵ بیت است که مکرر به چاپ رسیده است.^۴

کحّاله در شرح حالش می‌نویسد: «ادیب، شاعر، از شهرستان جزین لبنان، فارغ‌التحصیل دانشکده حقوق از دانشگاه مسیحیان بیروت، روزنامه‌نگار، متوفای ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹م و مدفون در زادگاهش (بتدین لغش) از توابع جزین».^۵

محمد خیر رمضان در شرح حالش می‌نویسد: «در روستای (بتدین لغش) در

۱. معالم العلماء، ص ۱۵۱.

۲. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۹۹.

۳. الغدیر، ج ۳، صص ۹-۴.

۴. الغدیر في التراث الإسلامي، ص ۱۸۴.

۵. المستدرک علی معجم المؤلفین، ص ۱۵۶.

نزدیکی جزین لبنان متولد شد، در دو مدرسه فریر و حکمت درس خواند، به دانشگاه مسیحیت وارد شد و در سال ۱۹۲۶م در رشته حقوق فارغ التحصیل شد. از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۴۴م در طرابلس، مرجعیون، حاصبیا و زحله به قضاوت پرداخت.

همواره در بستر مریضی بود، آثارش را به نظم و نثر در بستر می‌نوشت. با منظومه ملحمه شعری اش «عید الغدیر» مشهور شد، که آن را به سال ۱۹۴۸م سروده است.

این منظومه شامل ۳۰۰ بیت است که پیرامون امام علی (علیه السلام) سروده است. از دیگر آثارش: الصّراع في الوجود، حدیث العشیة، حکایة عمر، في ذلك الزّمان، خبز و ملح، و مذكرات جریح می‌باشد^۱.

بولس سلامه در مقدمه کتابش می‌نویسد: «در اواخر پاییز ۱۹۴۷م امام بزرگوار سید عبدالحسین شرف‌الدین به من پیشنهاد کرد که پیرامون روز غدیر منظومه‌ای بسرایم...»

سپس می‌نویسد: «عرب امروزی به شدت نیاز دارد که قهرمان‌های درگذشته‌اش را بشناسد، در این میان برای احدی چون حضرت علی دانش، فضیلت و شجاعت جمع نشده است...»

من در این منظومه به منابع شیعی مراجعه نکردم، بلکه به منابع مورد اعتماد اهل سنت مراجعه کردم، تا از شک و شبهه به دور باشم.^۲ ممکن است بپرسند که یک نفر مسیحی چه شده که برای اسلام حماسه می‌سراید؟!

آری من مسیحی هستم، ولی تاریخ برای همگان است. من مسیحی هستم، ولی از یک افق باز نگاه می‌کنم، نه از یک دریچه تنگ. من مسیحی هستم، ولی در برابر کسی سر فرود می‌آورم که هر روز صدها

۱. تتمة الأعلام للزركلي، ج ۱، ص ۹۰.

۲. ملحمه عيد الغدير، ص ۷.

میلیون انسان پنج بار در شرق و غرب عالم از او یاد می‌کنند.

ممکن است بگویید: مگر در میان اصحاب پیامبر، به جز علی کسی نبود؟! آری او شخصیتی است که مسلمانان از او به عنوان: رضی الله عنه، کرم الله وجهه و علیه السلام یاد می‌کنند، مسیحیان در مجالس خود از حکمت‌هایش سخن می‌گویند و در برابر تقوایش خضوع می‌کنند و زهاد در صومعه‌های خود از زهد و قنوتش توشه برمی‌گیرند، اندیشمندان از افکارش کسب نور می‌کنند، سخن‌سرایان از سخنان بدیع و بی‌نظیرش الهام می‌گیرند و فقیهان از خرمن علمش خوشه می‌چینند^۱.

آنگاه به تفصیل از قهرمانی‌های آن حضرت در بدر و خندق و حنین سخن گفته، نتیجه می‌گیرد که آن حضرت از لحظه‌ای که در داخل کعبه دیده به جهان گشود، تا روزی که در محراب مسجد کوفه، دیده از جهان فرو بست، همه‌اش گرفتار سختی‌ها و ناگواری‌ها بود و این شکیبایی و صبر و تحملش به مراتب از آن شجاعت و شهامت‌هایش شگفت‌آورتر بود.^۲

این بود نمی از یم و اندکی از بسیار حماسه‌های مسیحیان در برابر غدیر و صاحب غدیر.

۱. ملحمة عيد الغدير، ص ۹.

۲. ملحمة عيد الغدير، ص ۱۰.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَهَيِّدٌ

الحمد لله العليّ القدير العليم الخبير السميع البصير والصلوة والسلام على البشير
النذير خاتم النبيين محمد المصطفى وعلى خليفته بلافضل سيّد الوصيين وأمير المؤمنين
المنصوب بيوم غدیر علی بن ابی طالب وعلى آله المتزهين عن الرجس بنص آية التطهير،
ولعنة الله على أعدائهم أصحاب السعير.

حدیث غدیر را حدود یکصد و بیست نفر از صحابه روایت می کنند و در سنت
نبوی حدیثی که عدد روایتش از حیث کثرت به این تعداد برسد، وجود ندارد بلکه به
نصف این عدد نیز روایتی را نداریم.

از طرف دیگر پیامبر ﷺ این حدیث را در منزلش یا مسجدش و در جمعی
محدود از اصحابش نقل نکرده بلکه آن را در بزرگترین تجمع اسلامی در عهد
نبوت، در بیابانی وسیع در جمع مسلمین آن روزگار بیان نموده که سبط ابن جوزی^۱
عدد آن را یکصد و بیست هزار نفر و ابن شاکر^۲ عدد این جمعیت را بیش از یکصد
هزار نفر می داند و وقتی نسبت سنجی بین جمعیت حاضر در غدیر و عدد روایت
حدیث غدیر می کنیم، نسبت یک به هزار است.

و این در حالی است که پیامبر خاتم ﷺ در خطبه غدیر، امر به ابلاغ به
دیگران فرمودند: «ألا فليبلغ الشاهد منكم الغائب».

از اختلاف این دو عدد وسعت و قدرت سیاست انکار دستگاه خلافت سقیفه
برای نفی این حدیث به خوبی آشکار می شود. عموم حاضرین در غدیر از سیاست

۱. تذكرة الخواص، ص ۳۰.

۲. عیون التواریخ، ج ۱، ص ۳۹۴.

انکار به واسطه تهدید و تطمیع‌هایش پیروی کردند ولی یک در هزار از آنان برخلاف سیاست حاکمیت سقیفه و مدرسه وابسته به آن، به نقل حدیث غدیر پرداختند.

و اولین کسی که جشن غدیر را برپا کرد امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) در زمان خلافتشان بود و غدیر را زنده کردند، همان‌گونه که مکرر بر روی منبر از حدیث غدیر می‌پرسیدند و گروهی بدان گواهی می‌دادند و گروهی دیگر با علم به آن سکوت و کتمان می‌کردند و مورد نفرین ایشان واقع شدند. تفصیل این مباحث در متن کتاب خواهد آمد.

غدیرشناسی، ضرورت‌ها و اولویت‌ها

«وقتی سخن از غدیر و مفاهیم و معارف غدیر به میان می‌آید، اولین پرسشی که به ذهن خطور می‌کند این است که چرا در این زمان باید به موضوع و مسأله غدیر پرداخت؟ اگر به خوبی ضرورت غدیر و لزوم فرهنگ غدیر در جامعه ترسیم شود، مخاطبان فرهیخته‌ای در جستجوی دریافت حقایق غدیر برمی‌آیند. طبیعی است که اگر ضرورت این بحث روشن نشود، بسیاری به سادگی از کنار این موضوع خواهند گذشت، هرچند به خوبی این موضوع تقریر و تبیین شود؛ اما دریافت عمیقی از این موضوع دور از انتظار است، بنابراین تبیین ضرورت غدیر، امری بدیهی است و بر هر غدیرپژوهی لازم است که در گام نخست، ضرورت این بحث را دریابد.

موضوع غدیر از چهار جهت برای جامعه و نسل حاضر دارای اهمیت است. می‌توان گفت که هرکدام از این جهت‌ها به تنهایی کافی است که محقق به این مسأله بپردازد و اهمیت این موضوع را روشن نماید. باتوجه به این جهات معلوم خواهد شد که موضوع غدیر، مسأله‌ای چندجانبه و دارای ابعاد گوناگون است، ضروری است که این موضوع در اولویت حرکت‌های فرهنگی و هویتی ما قرار بگیرد. این چهار جهت به شرح زیر می‌باشد:

۱. غدیر به مثابه یک رویداد تاریخی

اولین ضرورت پرداخت به مسأله غدیر از زاویه حادثه و رویداد غدیر است.

باید به این جهت توجه نمود که در رویداد غدیر چه ابعادی و چه وجوهی قرار داده شده که ضرورت پرداخت به این حادثه را فراوان و دو چندان می‌کند. بسیاری از افراد وقتی که غدیر را از این زاویه می‌بینند، این پرسش برای آنها پیدا می‌شود که «غدیر هم یک حادثه‌ای از حادثه‌های تاریخ اسلام است، چرا ما باید یک حادثه تاریخی را بعد از ۱۴۰۰ سال همچنان بازگو کنیم و بزرگداشت آن را جشن بگیریم و به آن پردازیم؟»

نکته قابل توجه این است که غدیر یک حادثه ساده و یک رویداد طبیعی و عادی نیست. حادثه غدیر به یک معنا مهم‌ترین حادثه تاریخ اسلام، و به تعبیر دیگر یکی از مهم‌ترین حوادثی است که در طول ۲۳ سال زندگانی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم اتفاق افتاده است.

حوادث زیادی در تاریخ اسلام موجود است، اعم از حوادث نظامی، حوادث سیاسی، حوادث فرهنگی، شرایط و موقعیت‌هایی که در جامعه آن روز رخ داده و مورخان در باب آن سخن گفته‌اند. اما حادثه غدیر اولاً حادثه‌ای است که در پایان حیات شریف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رخ می‌دهد و به یک تعبیر، عصاره و نقطه نهایی و قلّه حوادث و حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. از سوی دیگر حادثه‌ای است که طراح آن خداوند متعال است. چنین حادثه‌ای کمتر در تاریخ اسلام رخ داده است.

در تاریخ اسلام حوادثی موجود است که دشمنان اسبابش را فراهم می‌کنند و طبیعتاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مصاف آن می‌روند، همچنین حوادثی که بین اصحاب رخ می‌دهد، حتی حوادثی که با بیان و تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اتفاق می‌افتد. اما حادثه‌ای که خداوند متعال بر وقوع و حدوث آن، در یک دوره خاص زمانی، با ویژگی‌ها و مؤلفه‌های خاص، بر آن تأکید می‌نماید، حادثه غدیر است. حادثه‌ای که خداوند آن را طراحی می‌کند و مجری و کارگردان او پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. حادثه‌ای که قرار است در انظار همه مسلمانان قرار بگیرد؛ آنهایی که حاضر هستند باید آن را ببینند و بشوند؛ همچنین آنهایی که غایب هستند، باید از این حادثه مطلع بشوند.

قرآن کریم با تعبیر ﴿بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾^۱ بر ضرورت به نمایش گذاشتن این واقعه تأکید می‌کند. وقتی که پیامبر اکرم این حادثه را به منصفه ظهور می‌رسانند، تأکید می‌کنند که این حادثه را حاضران باید به غایبان برسانند.^۲ پس معلوم می‌شود که این حادثه، حادثه مهمی است، حادثه‌ای که باید اتفاق بیفتد و جزئی از حوادث ضروری و وقایع مهم اسلامی است. حادثه‌ای است که باید همه انسان‌ها، حاضران و غایبان در آن حضور و مشارکت داشته باشند و سهم خودشان را در آن حادثه اداء کنند.

در روایات و ادعیه و توصیه‌هایی که در باب غدیر وارد شده است، بر این مطلب تأکید شده است که حادثه غدیر در طول تاریخ، در هر منطقه، در هر شهری و در هر کوی و برزنی، جلوه‌نمایی کند و بزرگداشت آن با تجلیل برگزار شود، و دائم به رخ جامعه اسلامی کشیده شود. پس کسانی نگویند که حادثه غدیر یک حادثه است و نقل و گزارش و بزرگداشت یک حادثه آن‌چنان اهمیت ندارد. این حادثه یک استثنا است هم به لحاظ شرایط وقوع آن، هم به لحاظ تأکیدی که بر بزرگداشت و جلوه‌گری و استمرار آن در همه مکان‌ها و زمان‌ها است.

۲. غدیر به مثابه یک باور اعتقادی

غدیر فقط یک حادثه و رویداد نیست، حادثه‌ای است که قرار است اصلی از اصول مکتب اسلام در آن تبیین و جزئیات و خصوصیات آن برای مسلمانان ارائه شود. وقتی سخن از باور به غدیر به میان می‌آید، گاهی تصور می‌شود که این باور یکی از فروع باورهای اسلامی است. این نکته باید واضح گردد، باوری که در واقعه غدیر ارائه می‌شود، یک اصل است؛ این را آیات قرآن به صراحت تأکید می‌کند. وقتی که قرآن کریم غدیر را در کنار رسالت می‌گذارد و ولایت و باور به جانشینی

۱. سوره مائده، آیه ۶۷: ﴿يَتْلُوهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۗ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ ۗ وَاللَّهُ يَعْصُمُكَ مِنَ النَّاسِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾.

۲. «... فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْعَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ...». الإحتجاج على أهل اللجاج

(طبرسی)، ج ۱، ص ۶۲.

پیامبر را در کنار اصل رسالت می‌گذارد و بدون این ولایت رسالت را ناتمام می‌داند، روشن می‌گردد که این واقعه یک باور ساده نمی‌باشد. وقتی درون‌مایه‌های حدیث غدیر و ماجرای غدیر و سخنانی که در آنجا مطرح می‌شود، تبیین و بازنمایی می‌گردد، معلوم می‌شود که حتی باور به امامت و باور به غدیر یک اصل هم نیست بلکه اصل الاصول است. در بیانات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و همچنین در آیات شریفه قرآن، مسأله ولایت امیرالمؤمنین و اهل بیت علیهم السلام در کنار ولایت الله قرار گرفته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای معرفی جایگاه امامت، ابتدا جایگاه خودشان را در نظام عالم مشخص می‌کنند و مسأله ولایت خودشان را به عنوان گوهر رسالت تبیین می‌نمایند.^۱ اگر قرآن کریم می‌فرماید معرفی ولایت امیرالمؤمنین بخشی از رسالت الهی است که پیامبر بر دوش دارد، دلیلش این است که گوهر رسالت، ولایت است؛ و پیامبر اکرم در واقعه غدیر به عنوان مقدمه، بیان رسالت خودشان را با چهره ولایت معرفی می‌کنند. جایگاه ولایتی خودشان را اول نشان می‌دهند و از طریق جایگاه ولایتی، به دنبال این هستند که این جایگاه ولایت باید استمرار پیدا کند.

با دقت و تعمق در واقعه غدیر مخاطب این نکته را در می‌یابد که باوری در غدیر معرفی و پرورانده و توسعه داده می‌شود که ضرورت دارد که همه مسلمین بر آن اعتراف کنند و پیمان خودشان را به این باور ارائه نمایند. همه انسان‌ها در مقابل این واقعه باید متعهد شوند، میثاق ببندند و پیمان ببندند که آن را استمرار می‌دهند؛ معلوم است که اصل مهمی است. اگر روایات تبیین مسأله امامت مورد تأمل قرار بگیرد، این ادعا ثابت می‌شود. در خطبه فدکیه، صدیقه طاهره سلام الله علیها به صراحت می‌فرماید: «و طاعتنا نظاماً للملة وإمامتنا أماناً من الفرقة»^۲. همچنین امام

۱. وَقَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِغَدِيرِ حُمٍّ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَكُنْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ...» (تفسیر

القمي، ج ۲، ص ۱۷۶).

۲. الإحتجاج على أهل اللجاج (طبرسی)، ج ۱، ص ۹۹.

رضا علیه السلام این گونه می فرماید: «إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ»^۱. با تبیین درون مایه این کلمات و دهها فرمایش دیگر در بیان امامت و ضرورت امامت روشن می شود که این اصل امامت، اصلی است که نگهدار سایر اصول دین است.

در این فرمایش صدیقه طاهره سلام الله علیها می فرماید: «وَطَاعَتْنَا نِظَاماً لِلْمَلَّةِ» ملت یعنی دین. اطاعت از ما پذیرش ولایت ما، نظام دین و سامانه مکتب را نگه می دارد. اگر قرار است مکتب اسلام به درستی در سامانه خودش قرار بگیرد در ریل و مسیر خودش حرکت کند، این باید بر محور اطاعت اهل بیت علیهم السلام باشد. امام رضا علیه السلام می فرماید: «إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ» اگر دین قرار است به درستی در مسیر خودش پیش برود و انسان ها را به هدایت برساند، محوریت امام و محوریت ولایت در دین باید رعایت شود. دین بدون ولایت، دین بدون امامت، موجب هدایت نیست و موجب وحدت و هم پستگی امت نخواهد بود. پس بنابراین محور دوم و ضرورت دوم، توجه به امامت و حادثه غدیر به عنوان اصلی از اصول مکتب بلکه اصل الاصول است.

۳. غدیر به مثابه مکتب تربیتی

غدیر آمده است تا برای مسلمانان، برای انسان ها، یک مکتب انسان ساز یک مکتب پرورشی و هدایتی را معرفی کند. غدیر صرفاً یک باور نیست، یک اعتقاد است ولی اعتقادی سازنده برای تربیت آحاد بشر است. بر پایه اعتقاد به ولایت یک دانشگاه شکل می گیرد، یک مدرسه تربیتی شکل می گیرد. مدرسه تربیتی که قرار است بر محور آن، بزرگ ترین انسان های تاریخ، پاک ترین موجودات هستی، عالم ترین، بافضیلت ترین افرادی که در روی زمین و در عالم به وجود آمدند و به ظهور رسیدند، معلمان و مربیان این مدرسه باشند. در این مکتب قرار است مهم ترین درس ها و آموزه هایی که سعادت انسان، حیات انسان، جاودانگی انسان، پویایی انسان در گرو آن است به منصفه ظهور برسد. اگر بعد از پیامبر مکتب ولایت

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

نباشد، تمام دستاوردهای تربیتی قرآن و پیامبر اکرم از بین خواهد رفت. اگر امروز حیات صدیقه طاهره سلام الله علیها نبود، اگر با زندگی، منش و سیره امیرمؤمنان (علیه السلام) آشنا نبودیم، اگر تاریخ اسلام، اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) را ندیده بود، و قرار بود اسلام را در چهره این خلیفه و یا آن خلیفه، این دانشمند و یا آن فقیه جستجو کند، چه میزان دستاوردهای بزرگ اسلامی از میان می‌رفت؛ به عبارت گویا، اسلام کاربردی و حقیقی، اسلامی که در شریان حیات بشر راه یافته باشد و مکتب تربیتی انسان ساز داشته باشد، اسلام غدیری و علوی است.

غدیر یک مکتبی معرفی می‌کند که فقط در آن سخن و دانش نیست، در آن فضیلت است، در او ارزش‌های اخلاقی است. ارزش‌های اخلاقی که مکتب غدیر معرفی می‌نماید، فقط در زبان یک دانش و یک نظریه اخلاقی بیان نمی‌شود، بلکه اخلاقی که جلوه عینی دارد. انسان‌هایی که واجد همه این کمالات هستند و این کمالات را در زندگی عملی خودشان به رسمیت می‌شناسند به بشریت این اخلاق کاربردی را نشان می‌دهند.

غدیر آمده است تا برای انسان، - انسان گذشته، انسان حال و انسان آینده - الگوهای عملی زندگی را معرفی کند. غدیر آمده است تا بیان کند که چراغ روشن تربیت و هدایت، علمدارانی دارد که از زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تا روز قیامت آنها زنده هستند و مکتب آنها زنده است، معارف آنها در اختیار است و انسان‌ها می‌توانند به آنها مراجعه کنند و استفاده کنند.

بشر اگر خواهان خانواده‌ای سالم است باید در جستجو خانواده غدیری باشد. اگر اقتصاد سالم می‌خواهد باید به سراغ اقتصادی برود که در مکتب ولایت معرفی می‌شود و به آن عمل می‌شود. اگر خواهان سیاست و حاکمیت و حکمرانی پاک و صحیح است، الگوی عملی و عینی و مبادی آن و ارزش‌هایش و مؤلفه‌هایش در مکتب غدیر تبیین می‌شود. پس غدیر فقط یک اصل را معرفی نمی‌کند، در پرتو اصل، مدرسه‌ای را معرفی می‌کند که همه وجوه حیات - حیات فردی، حیات اجتماعی -، ابعاد مختلف یک زندگی و نیازهای بشری را در همه عرصه‌ها پوشش می‌دهد.

امروز بیش از گذشته نیازمند مکتب غدیر هستیم. انسان سرگشته، انسان گم‌گشته، انسانی که مسیر طبیعی اخلاق و معنویت را گم کرده و به اینجا و آنجا چنگ می‌زند و از فرقه‌ها و گروه‌های انحرافی و سطحی و خرافات پیروی می‌کند. آیا امروز مکتب غدیر نمی‌تواند انسان معاصر را از این گریزگاه‌ها، از این لغزشگاه‌ها، از این مرداب‌های متعفن نجات بدهد؟!

بی‌تردید معرفی مکتب امیر مؤمنان و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و معارف آنها و سیره آنها، بهترین الگو و بهترین عنصر نجات‌بخش برای انسان امروز و فردا است. بشریت به غدیر به شدت نیاز دارد، و برانگیختن این احساس نیاز وظیفه مبلغان و محققان می‌باشد. ایشان باید این مسأله را تبیین کنند، که غدیر مکتب امروز و فردای ما است.

۴. غدیر به مثابه هویت مذهبی و ملی

جهت دیگری که در ضرورت پرداختن به غدیر بایسته است بدان پرداخته شود، غدیر به مثابه هویت مذهبی و ملی این مرز و بوم است. اگر از وجوه پیشین صرف‌نظر شود؛ اگر زمینه‌ای برای تبیین آن سه محور وجود نداشته باشد، و مخاطبان غدیر پژوه بیشتر در این زاویه حساسیت داشته باشند؛ به خوبی می‌توان نشان داد که هویت واقعی این مرز و بوم، هویت این مردم، هویت این سرزمین، هویت این جامعه بزرگ شیعی و هویت این کشور، در گرو تبیین و بزرگداشت غدیر است. هویت مذهبی این جامعه بر محور ولایت شکل گرفته؛ هیچ عنصری از عناصر مذهبی جامعه نیست که پیوندی با مسأله ولایت و امامت نداشته باشد. از هویت اسلامی، شیعیان امیرمؤمنان علیه‌السلام و ولایت او، قابل حذف نیست. شعر، تمدن، معماری، شهرسازی، فرهنگ عامه، هنر و نقاشی این سرزمین و کشور، همه با امامت و ولایت پیوند خورده. از سوی دیگر، اینها همه مؤلفه‌های فرهنگ ملی این مرز و بوم هستند. مردم این سرزمین صدها سال است که با فرهنگ ولایت و امامت زندگی می‌کنند. نمی‌توان از هنر و معماری و اخلاق و آداب عمومی این جامعه، عنصر ولایت و اطاعت از اهل بیت علیهم‌السلام را گرفت.

همه دنیا برای بزرگداشت هویت خودشان تلاش می‌کنند، این همه مراسم، جشن‌ها، شادی‌ها، رژه‌ها، هزینه‌های فراوانی که در کشورهای مختلف می‌شود تا مناسبت‌های ملی و دینی خویش را جشن بگیرند و بزرگ بدانند؛ یکی از دلایل اصلی آن این است که می‌دانند بقای آنها، استمرار هویت آنها در گرو مؤلفه‌های اصلی هویتی است. ما اگر غدیر را بزرگ می‌دانیم، گذشته از همه نکات پیش گفته، برای این است که خودمان را بشناسیم. خودشناسی جامعه، هویت‌یابی کشور و جامعه شیعی در گرو بازشناسی دقیق غدیر است. فراموشی غدیر به معنای گم شدن تکه‌ای از هویت این جامعه است. اگر کسانی خواهان وحدت ملی، هم‌بستگی اجتماعی و وحدت اسلامی هستند و قصد برپایی آن را دارند، باید بدانند که اینها بدون مؤلفه غدیر و امامت و ولایت ممکن نیست. چگونه می‌توان هویت امروز این مرز و بوم را بدون ولایت غدیری معرفی نمود.

سخن پایانی

هویت‌ها به صورت کلی، هویت‌های ملی، منطقه‌ای و دینی امروز در معرض مخاطرات فراوانی است. این را جامعه‌شناسان، فرهنگ‌شناسان، تمدن‌شناسان به وفور مطرح می‌کنند و نشانه‌های آن را هم ذکر می‌کنند. همه فرهنگ‌ها امروز به دنبال مقاومت در مقابل این سیل بنیان‌کن ضد هویتی است. ما هم امروز در این کشاکش درگیر هویت‌ها و ضد هویت‌ها هستیم، ما هم در معرض استحاله هویت فرهنگی هستیم. نسل آینده ما، نسل جوان امروز ما، نیازمند به یک خودباوری است، نیازمند به بازشناسی درون‌مایه‌های خودش است.

اصحاب رسانه، اهل فرهنگ، اساتید حوزه و دانشگاه موظف هستند که نسل آینده را تربیت کنند. اگر قرار است مقاومت را در این نسل تقویت کنند، اگر قرار است پایداری این نسل را در مقابل مخاطرات تضمین کنند. اگر قرار است این نسل آماده شود، که در آینده، کشور، جامعه، فرهنگ را بسازد، نیازمند تقویت هویت فرهنگی و درونی جامعه می‌باشد. یکی از بهترین وسایل تقویت هویت مذهبی و ملی، بزرگداشت غدیر، تبیین مؤلفه‌های غدیری و فرهنگ غدیری می‌باشد.

آنچه که بیان شد، تنها گوشه‌ای از ضرورت‌هایی است که می‌توان برای غدیر معرفی کرد. غدیر یک حقیقت ناشناخته است، یک حادثه‌ای است که هر چه زمان بر آن گذشته، اهمیت آن، عمق آن و ابعاد آن روشن شده است. امروز ما باید رسالت خودمان را در این عرصه و در این مقطع تاریخی به خوبی ایفا کنیم تا کسانی گمان نکنند که پرداختن به غدیر پرداختن به گذشته است. طرح غدیر امروز یک مسأله جدید و مربوط به امروز و فردا است. مبلغان باید نشان بدهند که غدیر نه تنها کهنه نشده، بلکه امروز تازه جوانه‌های جدید زده و میوه‌های تازه‌ای را در پیش دارد. عرصه‌های فرهنگی، عرصه‌های تبلیغی، رسالت بسیار بزرگی در این زمینه دارند»^۱.

علت تدوین این دفتر

از دیرباز آرزوی تدوین کتابی در مورد غدیر خم را داشتم، بیش از سی سال پیش رساله‌ای را در این مورد تدوین نمودم که شامل چهل حدیث در مورد غدیر بود، و آن را در عنوان الغدیر کتابم «موسوعة أحادیث أهل البيت (علیهم السلام)»^۲ قرار دادم. در سال‌های اخیر از طرف دو تن^۳ از دوستان مرحوم پدرم قدس و سروران خودم، به صورت مکرر درخواست تدوین کتابی در مورد غدیر خم را از اینجانب داشتند، حسب الامر این دو بزرگوار تصمیم گرفتم، سخنرانی‌هایی که در مسجد جامع عباسی از تاریخ ۱۳۹۲/۶/۲۹ تا ۱۴۰۱/۵/۷ در طی ۱۰ سال در استقبال از غدیر خم ایراد کرده بودم، تحریر و تنظیم و تدوین گردد، این مهم را از جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمد رضا شریفی رئیس غدیرستان اصفهان که دانشنامه غدیر در ۲۶ جلد زیر نظر ایشان تهیه و تألیف شده، خواستار شدم، وی یکی از همکارانش، حجة الاسلام آقای سید محمد صادق سجاد را به جهت این کار تعیین کرد، آقای

۱. درآمدی بر غدیرشناسی، ضرورت‌ها و اولویت‌ها، یادداشت حجة الاسلام و المسلمین

دکتر محمد تقی سبحانی (رحمته الله علیه) در شبکه اجتهاد، ۲۷ تیر ۱۴۰۱، با اندک اصلاحات.

۲. رجوع کنید به: موسوعة أحادیث أهل البيت (علیهم السلام)، ج ۸، صص ۲۴-۷۶.

۳. آقایان اساتید: دکتر فضل الله صلواتی و حسنعلی زهتاب حفظهما الله تعالی.

سجاد تحریر اولیه‌ای از این سخنرانی‌ها را آماده کرد که ابتدا توسط دوست عزیزم حجة الاسلام آقای شیخ مصطفی اله‌دادی تصحیح و مصدربایی شد و سپس توسط صاحب این قلم مجدداً تصحیح و تحقیق نهایی شد و با نام «استقبال از غدیر خم» به خدمت خوانندگان محترم عرضه می‌گردد، بدین وسیله، از همه عزیزان فوق حفظهم الله تعالی تشکر و قدردانی می‌نمایم.

همچنین از زحمات علامه محقق حجة الإسلام و المسلمین آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور رحمته الله که تمام کتاب را مطالعه و تصحیح فرموده و مجلس چهل را نیز به آن افزودند که به احترامشان آن را در مقدمه آوردم، سپاسگزاری می‌نمایم. در ضمن صوت این جلسات به روی سایت حقیر با آدرس AINajafi.ir در قسمت بیانات با عنوان «استقبال از غدیر» موجود است و خوانندگان در صورت تمایل ضمن مطالعه کتاب می‌توانند از صوت آن نیز بهره ببرند و اگر در جایی از کتاب نقطه ابهامی وجود دارد با مراجعه به صوت امید می‌رود برطرف شود و محور اصلی در بهره‌مندی از این کتاب صوت جلسات می‌باشد و در صورت تعارض صوت مقدم بر متن است و لازم به یادآوری است که صوت جلسات توسط محرر محترم تلخیص شده و به جهت تفصیل مطلب خوانندگان محترم می‌توانند به صوت مراجعه نمایند، همان‌گونه که ترتیب جلسات نیز تغییر داده شده، بنابر این به جهت مراجعه به صوت، به تاریخ جلسه توجه فرمایید نه به شماره جلسات در متن کتاب. بر این امید که این دفتر مورد پذیرش صاحب ولایت کلیه الهیه خلیفه بلا فصل پیامبر خاتم الانبياء و المرسلين امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام قرار گیرد و راهنمایی باشد برای جویندگان حقیقت و پویندگان راه ولایت علوی.

ایدون باد

و الحمد لله رب العالمین

۵ محرم الحرام ۱۴۴۴

۱۲ مرداد ۱۴۰۱

اصفهان - هادی نجفی

جلسه اول^۱

چکیده

الف) خطابه غدیر، روایتی است متواتر که شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند.
ب) سانسور و حذف جملاتی از حدیث غدیر به دلیل عناد و دشمنی مخالفین یا ترس از حکومت وقت بود.
پ) خلافت بلافصل امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) بعد از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، از متن صریح و قرائن واضح موجود در خطبه و واقعه غدیر اثبات می‌شود.
ت) مردم پس از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به دو دسته «دوستان غدیر» و «دشمنان غدیر» تقسیم شدند.

خطبه غدیر

خطبه غدیریه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایتی متواتر است که شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند.

قطعیّت خطابه غدیر در منابع اهل تسنن

ابن جریر طبری:

صاحب تفسیر و تاریخ، دانشمندی سنی مذهب است که در تسنن او تردیدی نیست؛ او کتابی به نام «الولایة» دارد و در آن ۷۵ سند و طریق برای خطبه غدیریه پیامبر ذکر می‌کند.^۱

ابن عقده:

دانشمند زیدی مذهب، کتابی دارد که در آن ۱۰۵ طریق برای حدیث غدیر ذکر کرده است.

ابن طاووس در مورد این کتاب گوید: «ورواه أيضاً أبو عباس أحمد بن محمد ابن سعید المعروف بابن عقدة بخبر يوم الغدير من مائة وخمس طرق وأفرد له كتاباً سماه «حديث الولاية»، وقد تقدم تسمية من روى عنهم».^۲

همچنین قبل از این کلام گوید: «ومن صنف تفصیل ما حققناه أبو العباس أحمد ابن محمد بن سعید الهمدانی الحافظ المعروف بابن عقدة وهو ثقة عند أرباب المذاهب، وجعل ذلك كتاباً محرراً سماه «حديث الولاية» وذكر الأخبار عن النبي ﷺ بذلك، وأساء الرواة من الصحابة، والكتاب عندي وعليه خط الشيخ العالم الرباني أبي جعفر الطوسي وجماعة من شيوخ الإسلام لا يخفى صحة ما تضمنه على أهل الافهام، وقد أثنى على ابن عقدة الخطيب صاحب تاريخ بغداد وزكاه.

وهذه أساء من روى عنهم حديث يوم الغدير ونص النبي ﷺ على علي عليها الصلاة والسلام والتحية والإكرام بالخلافة، وأظهار ذلك عند الكافة، ومنهم من هنا بذلك:

أبو بكر عبدالله بن عثمان، عمر بن الخطاب، عثمان بن عفان، علي بن

۱. غایة المرام، ج ۱، ص ۳۰۳؛ طبقات الحفاظ، ج ۲، ص ۲۰۲ و ۲۰۳.

۲. الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، ج ۱، ص ۱۴۲.

أبي طالب (عليه السلام)، طلحة بن عبيدالله، الزبير بن العوام، عبدالرحمان بن عوف، سعيد بن مالك، العباس بن عبدالمطلب، الحسن بن علي بن أبي طالب (عليه السلام)، عبدالله بن عباس، عبدالله بن جعفر بن أبي طالب عبدالله بن مسعود، عمار بن ياسر، أبوذر جندب بن جنادة الغفاري، سلمان الفارسي، أسعد بن زرارة الأنصاري، خزيمة بن ثابت الأنصاري، أبو أيوب خالد بن زيد الأنصاري، سهل بن حنيف الأنصاري، حذيفة بن اليمان، عبدالله بن عمر بن الخطاب، البراء بن عمر بن عازب الأنصاري، رفاعة بن رافع، سمرة بن جندب، سلمة بن الاكوع الأسلمي، زيد بن ثابت الأنصاري، أبو ليلى الأنصاري، أبو قدامة الأنصاري، سهل بن سعد الأنصاري.

عدي بن حاتم الطائي، ثابت بن زيد بن وديعة، كعب بن عجرة الأنصاري، أبو الهيثم بن التيهان الأنصاري، هاشم بن عتبة بن أبي وقاص الزهري، المقداد بن عمرو الكندي، عمر بن أبي سلمة، عبدالله بن أبي عبد الأسد المخزومي، عمران بن حصين الخزاعي، يزيد بن الخصب الأسلمي، جبلة بن عمرو الأنصاري، أبو هريرة الدوسي، أبو برزة نضلة عتبة الأسلمي، أبو سعيد الخدري، جابر بن عبدالله الأنصاري، حريز بن عبدالله، زيد بن عبدالله، زيد بن أرقم الأنصاري، أبو رافع مولى رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، أبو عمرة بن عمرو بن محسن الأنصاري، أنس بن مالك الأنصاري، ناجية بن عمرو الخزاعي، أبو زينب بن عوف الأنصاري، يعلى بن مرة الثقفي.

سعيد بن سعد بن عبادة الأنصاري، حذيفة بن أسيد، أبو شريحة الغفاري، عمرو ابن الحمق الخزاعي، زيد بن حارثة الأنصاري، ثابت بن وديعة الأنصاري، مالك بن حويرث أبو سليمان، جابر بن سمرة السواني، عبدالله بن ثابت الأنصاري، جيش بن جنادة السلولي، ضميرة الأسدي عبدالله بن عازب الأنصاري، عبدالله بن أبي أوفى الأسلمي، يزيد بن شراحيل الأنصاري، عبدالله بن بشير المازني، النعمان بن العجلان الأنصاري، عبدالرحمان بن يعمر، الديلمي أبو حمزة خادم رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، أبو الفضالة

الأنصاري، عطية بن بشير المازني، عامر بن ليلى الغفاري، أبو الطفيل عامر بن وائلة الكناني، عبدالرحمان بن عبدرب الأنصاري، حسان بن ثابت الأنصاري، سعد بن جنادة العوفي.

عامر بن عمير النميري، عبدالله بن ياميل، حبة بن جوين العرني، عقبه بن عامر الجهني، أبو ذؤيب الشاعر، أبو شريح الخزاعي، أبو جحيفة وهب بن عبدالله النسوي، أبو إمامة الصدى بن عجلان الباهلي، عامر بن ليلى بن جندب بن سفيان الغفلي البجلي، أسامة بن زيد بن حارثة الكلبي، وحشي بن حرب، قيس بن ثابت بن شماس الأنصاري، عبدالرحمان بن مديح، حبيب بن بديل بن ورقاء الخزاعي، فاطمة بنت رسول الله ﷺ، عائشة بنت أبي بكر، أم سلمة أم المؤمنين، أم هاني بنت أبي طالب، فاطمة بنت حمزة بن عبدالمطلب، أسماء بنت عميس الخثعمية.

ثم ذكر ابن عقدة ثمانية وعشرين رجلا من الصحابة لم يذكرهم ولم يذكر أسماء هم أيضا^١.

حاکم حسانى:

عبيدالله بن عبدالله احمد حاکم حسانى (متوفى حدود ٤٩٠هـ) در کتاب شواهد التنزيل در زير آية ٦٧ سوره مائده بعد از نقل رواياتى از حديث غدیر مى گوید: «و طرق هذا الحديث مستقصاة في كتاب «دعاء الهداة إلى أداء حق الموالاة» من تصنيفي في عشرة أجزاء»^٢.

و اسناد اين حديث در کتاب من به نام «دعاء الهداة إلى أداء حق الموالاة» در ده جلد برشمرده شده است.

اين کتاب تا زمان سيّد ابن طاووس موجود بوده و سيّد آن را در باب دال

١. الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، ج ١، ص ١٣٩-١٤٢.

٢. شواهد التنزيل، ج ١، ص ١٩٠.

فهرست کتابخانه‌اش^۱ یاد کرده است.

و همچنین ابن طاووس در کتاب «اقبال الأعمال» در زیر عنوان مصنفین پیرامون حدیث غدیر خم گوید: «ومن ذلك ما رواه أبو القاسم عبيد الله بن عبد الله الحسكاني في كتاب سماه «دعاء الهداة إلى أداء حق الموالاتة»^۲.

و همچنین ابن طاووس در کتاب دیگرش «الطرائف» گوید: «وصنف في حديث يوم الغدير الحاكم عبيد الله بن عبد الله الحسكاني كتاباً سماه كتاب «دعاء الهداة إلى أداء حق الموالاتة» إثناعشر كُراساً مجلداً»^۳.

شهر آشوب عليه السلام:

حسین بن جبر از جدش شهر آشوب عليه السلام از ابوالمعالی جوینی نقل می‌کند که او گوید: در بغداد از یک نفر کتابفروش شنیده است؛ در پشت جلد یک کتابی نوشته شده بود: «جلد بیست و هشتم از طرق روایت غدیر خم و در ادامه این کتاب، جلد بیست و نهم می‌آید»^۴. این نقل قول از شخص معتبری چون شهر آشوب نشان‌دهنده متقن بودن حدیث غدیر است.

ابن طاووس عليه السلام:

«سید ابن طاووس از کتاب دیگری نیز در مورد حدیث غدیر نام برده که متعلق به ابوسعید سجستانی است. او درباره این کتاب می‌نویسد:

فمن ذلك: ما صنّفه أبو سعید مسعود بن ناصر السجستاني المخالف لأهل البيت في عقيدته، المتفق عند أهل المعرفة على صحة ما يرويه لأهل البيت وأمانته، صنف كتاباً

۱. الإبانة في معرفة أسماء كتب الخزانة، ص ۳۵، رقم ۱۹۰.

۲. اقبال الأعمال، ص ۴۵۳، چاپ سنگی.

۳. صاحب عباقات الأنوار، ج ۱، ص ۱۳۷ این جمله را از کتاب الطرائف نقل می‌کند، ولی در الطرائف مطبوع این جمله پیدا نشد.

۴. نهج الإيمان، ص ۱۳۳.

سماه کتاب «الدراية في حديث الولاية»، وهو سبعة عشر جزء، روى فيه حديث نص النبي عليه أفضل السلام بتلك المناقب والمراتب على مولانا علي بن أبي طالب (عليه السلام) عن مائة وعشرين نفساً من الصحابة.

و دیگر، کتابی است که ابوسعید مسعود بن ناصر سجستانی نوشته است، در حالی که او در عقیده از مخالفان اهل بیت است و همه اتفاق دارند که آنچه در مورد اهل بیت نقل کرده صحیح است. نام کتاب او «دراية حديث الولاية» می باشد و دارای هفده جزء است و در این کتاب، نص رسول خدا (ص) بر مناقب و مراتب مولای ما امیرالمؤمنین (علیه السلام) را از یکصد و بیست نفر از صحابه روایت نموده است^۱.

انکار غدیر و چنین روایتی مهم، شبیه این است که جاهل نادانی در روز روشن چشم خود را ببندد و بگوید الآن شب است یا آفتاب نیست.

انکار حدیث غدیر و ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در رسانه های وهابیت به وضوح دیده و شنیده می شود.

قابل ذکر است که محمد بن اسماعیل بخاری جریان واقعه غدیر را در صحیح خویش نیآورده چرا که کتابش را طبق مذهب خلفا تنظیم کرده ولی در سه جای تاریخ کبیرش^۲ آن را یاد نموده همان گونه که مسلم نیشابوری^۳ حدیث غدیر را در صحیح خود که - از معتبرترین کتب اهل سنت است - آورده و به خطبه پیامبر در مورد غدیر خم نیز اشاره کرده لکن آن را تا حدیث تقلین نقل می کند و از ذکر ادامه آن که بر ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) دلالت دارد، خودداری کرده و آن را حذف می کند.

۱. اقبال الأعمال، ج ۲، ص ۲۳۹.

۲. التاريخ الكبير (بخاری)، ج ۱، ص ۳۷۵، ج ۴، ص ۱۹۳ و ج ۶، ص ۲۴۱.

۳. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۳؛ فضائل الصحابة، باب ۴، مناقب علی (علیه السلام) ح ۳۶.

واقعة الغدير

«أجمع رسول الله ﷺ الخروج إلى الحج في سنة عشرٍ من مهاجره، وأذن في الناس بذلك. فقدم المدينة خلقٌ كثيرٌ يأتمون به في حجته تلك التي يقال عليها حجة الوداع، وحجة الإسلام، وحجة البلاغ، وحجة الكمال، وحجة التمام، ولم يُحجَّ غيرها منذ هاجر إلى أن توفاه الله. فخرج ﷺ من المدينة مغتسلاً مُتَّجِراً في ثوبين صحاريين إزارٍ ورداءٍ، وذلك يوم السبت لخمس ليالٍ أو ستٍ بقين من ذي القعدة، وأخرج معه نساءه كلهنَّ في الهودج، وسار معه أهل بيته، وعامة المهاجرين والأنصار، ومن شاء الله من قبائل العرب وأفناء الناس.^٢

وعند خروجه ﷺ أصاب الناس بالمدينة جُدري^٣ أو حصبةً منعت كثيراً من الناس من الحجِّ معه ﷺ، ومع ذلك كان معه جموعٌ لا يعلمها إلا الله تعالى، وقد يقال: خرج معه تسعون ألفاً، ويقال: مائة ألفٍ وأربعة عشر ألفاً، وقيل: مائة ألفٍ وعشرون ألفاً، وقيل: مائة ألفٍ وأربعة وعشرون ألفاً، ويقال: أكثر من ذلك، وهذه عدّة من خرج معه، وأمّا الذين حجّوا معه، فأكثر من ذلك؛ كالمقيمين بمكة والذين أتوا من اليمن مع عليّ (أمير المؤمنين عليه السلام) وأبي موسى.^٤

أصبح ﷺ يوم الأحد يكلّمهم، ثمّ راح فتعشى بشرف السيالة، وصلى هناك المغرب

١. الذي نظّمه «وطن الأمعي يقين» أنّ الوجه في تسمية حجة الوداع بالبلاغ هو نزول قوله تعالى: ﴿يَأْتِيهَا الرّسولُ بَلِغٌ مَّا أنزَلَ إِلَيْكَ مِن رّبِّكَ...﴾ (سوره مائده، آيه ٦٧)، كما أنّ الوجه في تسميتها بالتمام والكمال هو نزول قوله سبحانه: ﴿الْيَوْمَ أكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾، الآية (سوره مائده، آيه ٣).

٢. الطبقات، ج ٣، ص ٢٢٥؛ الإمتاع (مقريزي)، ص ٥١٠؛ إرشاد الساري، ج ٦، ص ٤٢٩.

٣. بضم الجيم وفتح الدال أو بفتحهما.

٤. السيرة الحليّة، ج ٣، ص ٢٨٣؛ سيرة أحمد زيني دحلان، ج ٣، ص ٣؛ تذكرة خواص الأمة،

ص ١٨؛ دائرة المعارف (فريد وجدى)، ج ٣، ص ٥٤٢.

و العشاء، ثم صَلَّى الصبح بعرق الظبية، ثم نزل الرّوحاء، ثم سار من الروحاء فصلّى العصر بالمنصرف، وصلى المغرب والعشاء بالمتعشى وتعشى به، وصلى الصبح بالأثابة، وأصبح يوم الثلاثاء بالعرج واحتجم بلحى جمل وهو عقبه الجحفة ونزل السقيا يوم الأربعاء، وأصبح بالأبواء، وصلى هناك ثم راح من الأبواء ونزل يوم الجمعة الجحفة، ومنها إلى قديد وسبت فيه، وكان يوم الأحد بعسفان، ثم سار فلما كان بالغميم، اعترض المشاة، فصفوا صفوفاً فشكوا إليه المشي، فقال: استعينوا بالنسلان [=مشي سريع دون العدو]، ففعلوا فوجدوا لذلك راحة. وكان يوم الإثنين بمر الظهران. فلم يبرح حتى أمسى وغربت له الشمس بسرف، فلم يصل المغرب حتى دخل مكة، ولما انتهى إلى الشيبين، بات بينهما. فدخل مكة نهار الثلاثاء.

فلما قضى مناسكته وانصرف راجعاً إلى المدينة - ومعه من كان من الجموع المذكورات - وصل الى غدیر خم من الجحفة التي تشعب فيها طرق المدنيین والمصريين والعراقيين. وذلك يوم الخميس الثامن عشر من ذي الحجة نزل إليه جبرئيل الأمين عن الله بقوله: ﴿يَأَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾^۲ الآية. وأمره أن يقيم علياً علماً للناس، ويبلغهم ما نزل فيه من الولاية وفرض الطاعة على كل أحد. وكان أوائل القوم قريباً من الجحفة. فأمر رسول الله أن يرد من تقدم منهم ويحبس من تأخر عنهم في ذلك المكان، ونهى عن سمرات خمسٍ متقارباتٍ دوحاتٍ عظامٍ أن لا ينزل تحتهن أحدٌ حتى إذا أخذ القوم منازلهم. فقم ما تحتهن حتى إذا نودي بالصلاة صلاة الظهر، عمد إليهن، فصلّى بالناس تحتهن، وكان يوماً هاجراً يضع الرجل بعض رداءه على رأسه وبعضه تحت قدميه من شدة الرّمضاء، وظلّل لرسول الله بثوب على شجرة سمرّة من

۱. الإمتاع (مقریزی)، صص ۵۱۳-۵۱۷.

۲. این روز، در نقل براء بن عازب و برخی دیگر از راویان حدیث غدیر آمده است.

۳. سوره مائده، آیه ۶۷.

الشمس. فلما انصرف ﷺ من صلاته، قام خطيباً وسط القوم^١ على أقتاب الإبل^٢ وأسمع الجميع رافعاً عقيرته فقال:

الحمد لله ونستعينه ونؤمن به، ونتوكل عليه، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا، ومن سيئات أعمالنا الذي لا هادي لمن ضلّ، ولا مضلّ لمن هدى، وأشهد أن لا إله إلا الله، وأنّ محمداً عبده ورسوله. أما بعد: أيها الناس! قد نبأني اللطيف الخبير أنّه لم يُعمّر نبيّ إلا مثل نصف عمر الذي قبله، وإني أوشك أن أدعى فأجبت، وإني مسؤول وأنتم مسؤولون، فماذا أنتم قائلون؟ قالوا: نشهد أنّك قد بلغت ونصحت وجهدت. فجزاك الله خيراً! قال: ألستم تشهدون أن لا إله إلا الله، وأنّ محمداً عبده ورسوله، وأنّ جنته حقّ وأنّ الموت حقّ وأنّ الساعة آتية لا ريب فيها وأنّ الله يبعث من في القبور؟ قالوا: بلى نشهد بذلك. قال: اللّهم اشهد! ثمّ قال: أيها الناس ألا تسمعون؟ قالوا: نعم. قال: فإني فرط على الحوض، وأنتم واردون عليّ الحوض، وإنّ عرضه ما بين صنعاء وبصرى^٣ فيه أقداح عدد النجوم من فضة. فانظروا كيف تُخلّفوني في الثقلين! فنادى مناد: وما الثقلان يا رسول الله؟ قال: الثقل الأكبر كتاب الله، طرف بيد الله ﷻ وطرف بأيديكم، فتمسكوا به لا تفلتوا، والآخر الأصغر عترتي، وإنّ اللطيف الخبير نبأني أنّها لن ينفرا حتى يردا عليّ الحوض. فسألت ذلك لهما ربّي، فلا تقدّموهما فتهلكوا، ولا تتصرفوا عنهما فتهلكوا، ثمّ أخذ بيد عليّ فرفعها حتى رُوي بياض آباطهما وعرفه القوم أجمعون. فقال: أيها الناس من أولى الناس بالمؤمنين من أنفسهم؟ قالوا: الله ورسوله أعلم. قال: إنّ الله مولاي وأنا مولى المؤمنين وأنا أولى بهم من أنفسهم. فمن كنت مولاه فعليّ مولاه

١. منقول از هيشمی در مجمع الزوائد، ج ٩، ص ١٥٦ و ديگران.

٢. بنا به نقل ثمار القلوب، ص ٥١١ و منابع ديگر.

٣. صنعاء پایتخت یمن است و بصری روستایی نزدیک دمشق است. کنایه از بزرگی و وسعت حوض کوثر.

- یقوله ثلاث مرّات، وفي لفظ أحمد إمام الحنابلة: أربع مرّات - ثمّ قال: اللَّهُمَّ وال من والاه، وعاد من عاداه، وأحبّ من أحبّه، وأبغض من أبغضه، وانصُر من نصره، واخذل من خذله، وأدر الحقّ معه حيث دار، ألا فليبلغ الشاهد الغائب. ثمّ لم يفرّقوا حتّى نزل أمين وحي الله بقوله: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾^۱ الآية. فقال رسول الله ﷺ: الله اكبر على إكمال الدين، وإتمام النعمة، ورضي الربّ برسالتى، والولاية لعليّ من بعدى. ثمّ طفق القوم يهتفون أمير المؤمنين صلوات الله عليه. وممن هنّا في مقدّم الصحابة: الشيخان أبوبكر وعمر، كلّ يقول: بخّ بخّ لك يا بنّ أبي طالب! أصبحت وأمست مولاي ومولى كلّ مؤمن ومؤمنة. وقال ابن عباس: وجبت والله في أعناق القوم. فقال حسان: إئذنى لي يا رسول الله أن أقول في علىّ آياتاً تسمعهن، فقال: قل على بركة الله. فقام حسان فقال: يا معشر مشيخة قريش! أتبعها قولي بشهادة من رسول الله في الولاية ماضية. ثمّ قال:

يُنَادِيهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيُّهُمْ بِخَمٍّ فَأَسْمَعُ بِالرَّسُولِ مَنَادِيًا^۲

هذا مجمل القول في واقعة الغدير»^۳.

واقعة غدیر خم

«رسول خدا ﷺ در دهمین سال هجرت، آهنگ زیارت خانه خدا (کعبه) کرد و در میان مردم آن را اعلام فرمود. به دنبال این اعلان، گروه عظیمی به مدینه آمدند تا در انجام این تکلیف الهی (ادای مناسک حج بیت الله) از آن حضرت پیروی و تعلیمات آن حضرت را فراگیرند. این تنها حجی بود که پیغمبر ﷺ بعد از مهاجرت به مدینه انجام داد و

۱. سوره مائده، آیه ۳.

۲. تا آخر.

۳. الغدير، ج ۱، صص ۹-۱۱.

آن را به نام‌های متعددی در تاریخ ثبت نموده‌اند؛ از قبیل: حجّة الوداع، حجّة الإسلام، حجّة البلاغ، حجّة الکمال، حجّة التمام.^۱

برای این حج رسول خدا ﷺ غسل و تدهین فرمود و فقط با دو جامه ساده (احرام) که یکی را به کمر بست و آن دیگر را به دوش افکند روز شنبه، بیست و چهارم یا بیست پنجم ذی القعدة الحرام به قصد حج، پیاده از مدینه خارج شد. وی تمام زنان و اهل حرم خود را نیز در هودج‌ها قرار داد و با همه اهل بیت خود و به اتفاق تمام مهاجران و انصار و قبایل عرب و گروه عظیمی از خلق حرکت فرمود.

اتفاقاً در این هنگام، بیماری آبله - یا حصبه - در میان مردم شیوع یافته بود و همین عارضه موجب گردید که بسیاری از مردم از عزیمت و شرکت در این سفر باز ماندند، مع الوصف گروه بی‌شماری با آن حضرت حرکت نمودند که شمار آنها را کسی جز خدا نمی‌داند. عده‌ای تعداد آنها را ۹۰ هزار، عده‌ای ۱۱۴ هزار، برخی ۱۲۰ هزار، پاره‌ای ۱۲۴ هزار و برخی نیز عدد بیشتری را ذکر کرده‌اند. این تعداد افرادی بودند که همراه آن حضرت از مدینه به راه افتادند و گرنه کسانی که با آن حضرت حج را گزاردند - اهالی مکه و آنها که به اتفاق امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و ابوموسی از یمن آمدند - بیش از این تعداد بود.

بامداد یکشنبه موکب نبوی ﷺ در «یللم» بود و شبانگاه به «شرف السیّال» رسیدند و در آنجا نماز مغرب و عشاء را خواندند و صبح آن شب را در «عرق الظبیه» ادای فریضه فرمودند. سپس در «روحاء» فرود آمدند و پس از کوچ از آنجا نماز عصر را در «منصرف» ادا فرمودند و نماز مغرب و عشاء را در «متعشی» خواندند و در همان جا غذا صرف کردند. نماز صبح

۱. آنچه به گمان ما می‌رسد (و گمان اهل هوش و فراست همانند یقین است) این است که وجه نامیدن حجّة الوداع به بلاغ به مناسبت نزول آیه تبلیغ ﴿يَتْلُوهَا الرُّسُلُ بَلَّغًا...﴾ است. همچنین نامیدن آن به کمال و تمام نیز به مناسبت نزول آیه ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾ می‌باشد. (حاشیه مرحوم علامه امینی).

روز را در «اثابه» خواندند و بامداد سه‌شنبه را در «عَرَج» درک کردند و در نقطه‌ای به نام «لحی جمل» - که گردنۀ جحفه است - حجامت کردند^۱. سپس در «سقیاء» فرود آمدند (روز چهارشنبه) و پس از حرکت از آنجا نماز صبح را در «ابواء» خواندند و از آنجا حرکت کردند و روز جمعه به «جحفه» رسیدند و از آنجا به «قدید» رفته و شنبه را در آنجا درک فرمودند، و روز یکشنبه در «عسغان» و پس از طی راه از آنجا و رسیدن به «غمیم»، پیادگان در مقابل پیغمبر ﷺ صف بستند و به رسول خدا ﷺ از خستگی شکوه نمودند. پیغمبر ﷺ به آنها دستور قدم دو دادند و با اجرای این دستور احساس راحتی نمودند. روز دوشنبه در «مَرّ الظهران» بسر بردند و هنگام غروب آفتاب به «سرف» و پیش از ادای نماز مغرب به حوالی مکه رسیدند و در ثَنَیْتِین (دو کوه مشرف به مکه) فرود آمدند و شب را در آنجا بسر برده و روز سه‌شنبه داخل مکه شدند.

وقتی که رسول خدا ﷺ مناسک حج را انجام دادند و با جمعیتی که به همراه آن حضرت بودند آهنگ بازگشت به مدینه فرمودند. به غدیر خم (که در نزدیک جحفه است) رسیدند؛ و جبرئیل امین فرود آمد و از خدای تعالی این آیه را آورد: «ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت [درباره ولایت و رهبری علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین (علیه السلام)] بر تو نازل شده ابلاغ کن».

باید دانست که جحفه منزلگاهی است که راه‌های متعدّد (راه اهل مدینه و مصر و عراق) از آنجا منشعب و جدا می‌شود و ورود پیغمبر ﷺ و همراهان به آن نقطه در روز پنج‌شنبه هجدهم ذی الحجه تحقق یافت. در آنجا امین وحی الهی آیه فوق‌الذکر را آورد و از طرف خداوند به آن حضرت امر کرد که علی (علیه السلام) را به ولایت و امامت معرفی و منصوب

۱. در ترجمۀ الغدیر چنین آمده که غلطی آشکار است؛ چون مُحَرَّم نمی‌تواند حجامت یا هر کار دیگری که موجب خروج خون از بدن وی شود انجام دهد. مراد از عبارت عربی این است که: «در عقبۀ جحفه شتر خود را لجام زدند؛ چون قدری از کنترل خارج شده بود و سرعت در سیر داشت». متأسفانه مترجم ﷺ «لحی جمل» را نیز نام مکانی گرفته است.